



The Representation of Emotion in Searle's Expressive Acts in the Holy Qur'an Based on Plutchik's Theory (A Case Study of Juz' 26-28)

Mehdi Abbasi¹ , Hengameh Vaezi² , Farahnaz Yousefi³

1. Department of English Language, ZAH.C., Islamic Azad University, Zahedan, Iran.

Email: m.abasi6732@iau.ac.ir

2. Department of English Language and linguistics, RA.C., Islamic Azad University, Rasht, Iran.

(Author Corresponding) Email: vaezi.h@iau.ac.ir

3. Department of English Language, ZAH.C., Islamic Azad University, Zahedan, Iran.

Email: F.yousefi87@iau.ac.ir

Research Article



Extended Abstract

Research Objective:

The present study aims to investigate and analyze the expressive acts in the verses of Juz' 26-28 of the Holy Qur'an. This study focuses on the relationship between these acts and human emotions, drawing on John Searle's speech act theory and Robert Plutchik's wheel of emotions. The main objective is to identify and analyze the representation of emotions such as lamentation, remorse, praise, shame, disgust, and friendship in the verses under study. Using a descriptive-analytical method, this research examines various expressive speech acts such as reproach, drawing attention, praise, imprecation, and lamentation, and analyzes their relationship with human emotions. The study seeks to identify linguistic-emotional patterns in the Qur'an, explain the application of speech acts through Plutchik's theory, and examine the relationship between the intensity and type of emotions and speech acts in order to provide a deeper understanding of religious and ethical concepts for the audience. This research attempts to show how the Qur'an employs linguistic and emotional devices to guide, reform, and awaken its audience, and how these acts and emotions function in line with the educational and ethical objectives of the Qur'an.

Research Methodology:

This research employs a descriptive-analytical method and, using both qualitative and quantitative approaches, investigates the expressive acts and emotions present in the verses of Juz' 26-28 of the Holy Qur'an. The research data were collected and analyzed through the examination of selected verses, based on the theoretical framework of John Searle's speech act theory and Plutchik's wheel of emotions. In this regard, the verses were systematically examined, and the expressive speech acts and their associated emotions were identified and classified. This method made it possible to conduct a precise

Received: 2025-05-05 | Received in revised form: 2025-08-10 | Accepted: 2025-08-10 | Published online: 2026-04-21

◆ How to cite: Abbasi, M., Vaezi, H. and Yousefi, F. (2026). The Representation of Emotion in Searle's Expressive Acts in the Holy Qur'an Based on Plutchik's Theory (A Case Study of Juz' 26-28). (e280-305). *Stylistics Studies of the Holy Quran*, 10(18), e280-305 doi: [10.22034/sshq.2025.521357.1544](https://doi.org/10.22034/sshq.2025.521357.1544)



and multidimensional analysis of the relationship between language, emotion, and the educational objectives of the Qur'ān.

Findings:

The findings indicate that in the verses of Juz' 26–28 of the Holy Qur'ān, the expressive act of reproach, with a frequency of 62 instances, has the highest occurrence and is accompanied by negative emotions such as shame, disgust, and warning. This act is used to reproach improper behaviors and awaken the audience. The act of drawing attention, with a frequency of 21 instances, is associated with the emotions of warning and curiosity and is used to encourage the audience to reflect on divine truths. The act of praise, with a frequency of 14 instances, is associated with the emotions of friendship and joy and is used to strengthen faith and encourage emulation. The acts of imprecation and lamentation, each with a frequency of 6 instances, are respectively accompanied by the emotions of disgust and remorse and are used for the rejection of sin and moral admonition. The analyses reveal a mutual correlation between speech acts and emotions which, with varying intensities, demonstrates the structural cohesion of the verses in line with educational and ethical objectives. These findings indicate that the Qur'ān purposefully employs expressive acts and emotions to influence the audience.

Conclusion:

This study shows that the verses of Juz' 26–28 of the Holy Qur'ān purposefully employ expressive acts (reproach, drawing attention, praise, imprecation, and lamentation) and associated emotions (shame, disgust, warning, remorse, and friendship) to guide, reform, and awaken the audience. The act of reproach, linked to the emotions of shame and disgust, has the highest frequency and is used to condemn improper behaviors and promote self-awareness. Drawing attention, together with the emotion of warning, encourages reflection on divine truths, while praise, associated with the emotion of friendship, strengthens faith and emulation. Imprecation and lamentation, accompanied respectively by disgust and remorse, function to establish doctrinal boundaries and promote moral reflection. The mutual correlation between acts and emotions, together with the diversity of emotional intensity, reveals the structural cohesion and educational function of the Qur'ān. The combination of positive emotions such as joy and hope with negative emotions creates a balanced emotional continuum that leads the audience toward self-awareness, repentance, and the performance of good deeds. This integrated analysis of Searle's and Plutchik's theories demonstrates the linguistic and emotional depth of the Qur'ān in establishing divine communication with humanity and highlights the Qur'ān's capacity to exert emotional and ethical influence on its audience.

Keywords: Holy Qur'ān; Expressive act; Searle; Emotion Theory; Plutchik

بازنمایی هیجان در کنش‌های عاطفی سرل در قرآن کریم براساس نظریه پلاچیک (مطالعه موردی: جزء ۲۶ الی ۲۸)

مهدی عباسی^۱ ID، هنگامه واعظی^۲ ID، فرحناز یوسفی^۳ ID

۱. گروه زبان انگلیسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. m.abasi6732@iau.ac.ir

۲. گروه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران (نویسنده مسئول). vaezi.h@iau.ac.ir

۳. گروه زبان انگلیسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. F.yousefi87@iau.ac.ir

پژوهشی



چکیده

با وجود جایگاه ویژه عواطف در هدایت مخاطب، تاکنون، رابطه دقیق میان کنش‌های گفتاری و هیجانات در قرآن کمتر مورد بررسی قرار گرفته است؛ از این رو، شناسایی نحوه بازنمایی هیجان‌ها در بستر کنش‌های گفتاری می‌تواند افق‌های تازه‌ای در فهم پیام‌های قرآنی بگشاید. پژوهش حاضر به بررسی کنش‌های عاطفی در آیات قرآن کریم با تمرکز بر پیوند آن‌ها با هیجان‌های انسانی می‌پردازد. با تکیه بر چارچوب نظری کنش‌های گفتاری و چرخه هیجانات پلاچیک و بهره‌مندی از تفسیرالمیزان برای درک بافت معنایی آیات، تلاش شده است تا از طریق تحلیل آیات منتخب (جزء بیست و ششم تا بیست و هشتم قرآن کریم)، نحوه بازنمایی هیجاناتی همچون تحسر، پشیمانی، ستایش، شرم، بیزاری و دوستی در قرآن بررسی شود. کنش‌های عاطفی مانند نکوهش، جلب توجه، ستایش، نفرین و تحسر، هرکدام با هدف گفتگمانی خاصی در آیات به کار رفته‌اند که از جمله می‌توان به هشدار، عبرت‌آموزی، تأیید هنجارهای دینی و ایجاد انگیزه و امید اشاره کرد. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر تحلیل کیفی و کمی، به شناسایی انواع کنش‌های گفتاری عاطفی و هیجان‌های مرتبط با آن‌ها در آیات مورد نظر پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که کنش ملامت بیشترین بسامد را دارد و هیجان‌هایی با بار عاطفی منفی مانند شرم، بیزاری و هشدار غالب است؛ در حالی که هیجان‌های مثبت نظیر شادی و امیدواری به مهربانی الهی اشاره دارند. همبستگی دوسویه‌ای بین کنش‌های عاطفی (مانند ملامت و جلب توجه) و هیجان‌های مرتبط (مانند شرم و بیزاری) مشاهده شد. کنش‌های عاطفی موجود در پژوهش با هیجان‌هایی با شدت‌های متفاوت همراه است؛ همچنین شدت هیجان در آیات قرآنی با نوع کنش عاطفی رابطه نزدیکی دارد.

واژگای کلیدی: پلاچیک، سرل، قرآن کریم، کنش عاطفی، نظریه هیجانی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۹ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱

◆ استناد به این مقاله: عباسی، مهدی، واعظی، هنگامه و یوسفی، فرحناز. (۱۴۰۵). بازنمایی هیجان در کنش‌های عاطفی سرل در قرآن کریم بر اساس نظریه پلاچیک (مطالعه موردی: جزء ۲۶ الی ۲۸). *مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم*، ۱۰ (شماره اول)، ۳۰۵-۳۲۸. doi: 10.22034/sshq.2025.521357.1544

۱. مقدمه

کاربردشناسی به مطالعه زبان در بافت واقعی ارتباط می‌پردازد و بر نقش کاربر زبان در تولید و درک معنا تأکید دارد. برخلاف معناشناسی که بیشتر بر معناهای لغوی و نحوی تمرکز دارد، کاربردشناسی به ابعاد فرامتن، نیت گوینده، بافت مکالمه و تأثیر اجتماعی زبان می‌پردازد. یکی از نظریه‌های بنیادی در این حوزه، نظریه کنش گفتار^۱ است که نخستین بار جان آستین مطرح کرد و سپس جان سرل آن را گسترش داد. براساس این نظریه، زبان صرفاً وسیله‌ای برای انتقال اطلاعات نیست، بلکه ابزاری برای انجام کنش‌های مختلفی مانند وعده دادن، تهدید کردن، درخواست کردن و غیره است. در کنار آن، نظریه چرخه هیجانی رابرت پلاچیک^۲ چارچوبی برای تحلیل حالات هیجانی انسان ارائه می‌دهد. وی هشت هیجان پایه را معرفی می‌کند: شادی، اعتماد، ترس، تعجب، غم، انزجار، خشم و پیش‌بینی و معتقد است که ترکیب این هیجان‌ها منجر به شکل‌گیری احساسات پیچیده‌تری می‌شود. این چرخه همچنین شدت و تضاد میان هیجان‌ها را نشان می‌دهد. قرآن کریم با متنی مقدس و سرشار از بار عاطفی، اخلاقی و تربیتی، نمونه‌ای ممتاز برای بررسی کارکردهای زبانی و هیجانی است. با توجه به این که آیات قرآن در بافت‌های مختلف اجتماعی و روان‌شناختی نازل شده‌اند، تحلیل آن‌ها از منظر کنش‌های گفتاری و هیجانی می‌تواند ابعاد پنهان معنایی را آشکار سازد. در این پژوهش، سعی شده است تا با استفاده هم‌زمان از نظریه کنش گفتار و چرخه هیجانی پلاچیک، آیات جزء بیست و هشتم تا بیست و نهم قرآن کریم مورد تحلیل قرار گیرند. کاربست الگوهای کنش گفتاری با تکیه بر نظریه پلاچیک در خوانش آیات چگونه تبیین می‌شود؟ چه انواعی از کنش‌های گفتاری-هیجانی در آیات مورد مطالعه قابل‌شناسایی است؟

این رویکرد تلفیقی می‌تواند به کشف الگوهای زبانی-هیجانی در قرآن کمک کرده و درک مخاطب را از عمق مفاهیم دینی و اخلاقی ارتقا بخشد. به‌کارگیری هم‌زمان این دو چارچوب نظری در تحلیل متون مقدس، به‌ویژه قرآن کریم، می‌تواند ابزاری نوین برای تفسیرهای میان‌رشته‌ای فراهم آورد. تحلیل کنش‌های گفتاری در آیات، نه تنها قصد و نیت الهی را در خطاب به انسان روشن می‌سازد، بلکه با انطباق آن بر چرخه هیجانی پلاچیک، می‌توان حالات عاطفی مخاطب را نیز بازسازی کرد؛ برای مثال، آیه‌ای که با لحنی تهدیدآمیز سخن می‌گوید، ممکن است از نظر کنش گفتار یک «هشدار» تلقی شود و هم‌زمان بر هیجان‌هایی مانند «ترس» یا «خشم» دلالت کند. این نگاه تلفیقی بستر مناسبی برای فهم پیچیدگی‌های معنایی و روان‌شناختی درون متن مقدس فراهم می‌کند و به ما امکان می‌دهد تا ساختار عمیق‌تری از ارتباط الهی با انسان را کشف کنیم.

۱. Speech Act . (۱)

۲. Plutchik's Wheel of Emotions . (۲)

۲. پیشینه تحقیق

تحقیقات پیشین در حوزه کاربردشناسی قرآن عمدتاً بر کنش‌های گفتاری متمرکز بوده‌اند. عباسی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی کنش‌های گفتاری در ترجمه جزء سی قرآن کریم»، به صورت کمی کنش‌های گفتاری جزء سی‌ام را بررسی کرده است. نویسندگان اذعان می‌دارد که در ترجمه آیات جزء سی‌ام، کنش‌های بیشترین کاربرد و کنش‌های کمترین کاربرد را دارد. گلی و همکاران (۱۳۹۹) سوره زمر را با رویکرد میان‌رشته‌ای تحلیل کرده‌اند. تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد میان‌رشته‌ای، پس از تأمل در تحلیل گفتمان سوره زمر، براساس کنش‌های گفتاری سرل نتیجه می‌گیرند که در گفتمان سوره زمر، کنش‌های اظهاری، ترغیبی، عاطفی و اعلامی قابل‌بازبایی است. عرب و دست‌رنج (۱۳۹۹) گفتمان افعال گفتاری در آیات جهاد را مطالعه نمودند و در پایان به این نتیجه می‌رسند که بسامد کنش‌های اظهاری و تعهدی در سوره شمس، نسبت به سایر کنش‌ها، از بسامد بالاتری برخوردار است. صالحی و اکبرنژاد (۱۴۰۲) داستان حضرت یوسف (ع) را براساس نظریه سرل با رویکردی توصیفی-تحلیلی، مورد بررسی و تحلیل قرار دادند. نتایج، نشان از آن دارد که نظریه مذکور می‌تواند لایه‌های عمیق‌تری از آیات قرآن کریم را آشکار سازد و بنابر سیاق و بافت آیات، معانی متعددی را برداشت کرد. نورسیده و باقری (۱۴۰۳) ادعیه پیامبران در قرآن کریم را براساس دسته‌بندی سرل، مورد بررسی قرار داده‌اند. نویسندگان اذعان دارند که ادعیه پیامبران در قرآن بر سه کنش عاطفی، اظهاری و ترغیبی استوار است. در زمینه نظریه پلاچیک، علم‌الهدی و همکاران (۱۴۰۰) مفهوم هیجان و رشد را در قرآن تحلیل کرده‌اند و کیایی و همکاران (۱۴۰۰) طبقات هیجانی پلاچیک و تصویر انسان را با استفاده از روش تحلیل محتوا، مورد بررسی قرار داده‌اند. محققان دریافته‌اند که تمامی طبقات هیجانی پلاچیک در ساختار انسانی در قرآن وجود دارد. نبی‌لو و دادخواه (۱۴۰۱) رباعیات خیام را از منظر روان‌شناسی بررسی و تحلیل کرده‌اند. براساس این نظریه، هشت هیجان یا عاطفه پلاچیک در رباعیات خیام قابل‌بازبایی است.

مطالعات پیشین نشان داده است که نظریه هیجان‌های پلاچیک، تاکنون در تحلیل متون دینی، به‌ویژه قرآن کریم، به کار گرفته شده است. این نظریه با ارائه یک چارچوب منسجم، امکان دسته‌بندی و تبیین نظام‌مند هیجانات مختلف را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، قرآن کریم علاوه بر پیام‌های معرفتی و تربیتی، با متنی عاطفی و تأثیرگذار بر مخاطبان، شناخته می‌شود. نظریه پلاچیک با شناسایی سازوکارهای هیجانی، می‌تواند نقش این هیجانات را در فرآیندهایی مانند تربیت، تهدید، امیدآفرینی و سایر جنبه‌های عاطفی روشن سازد؛ بالاین حال، مرور دقیق‌تر منابع نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی جامع به تحلیل همزمان کنش‌های عاطفی سرل و چرخه هیجانات پلاچیک در متون قرآنی نپرداخته است. پژوهش حاضر برای نخستین بار با رویکردی میان‌رشته‌ای، این دو چارچوب نظری را تلفیق کرده و به بررسی

نظام‌مند کنش‌های عاطفی و هیجانات موجود در آیات جزء ۲۶ تا ۲۸ قرآن کریم می‌پردازد. این رویکرد نوین با کاوش همبستگی دوسویه میان کنش‌های عاطفی و حالات هیجانی، لایه‌های عاطفی و تربیتی قرآن را برجسته کرده و ابزارهایی تازه برای مطالعات تفسیری و زبان‌شناختی ارائه می‌دهد.

۳. مبانی نظری

۳-۱. نظریه کنش‌گفتار^۱

یکی از نظریات مهم در حوزه کاربردشناسی، نظریه کنش‌گفتار است. این اصطلاح به عملی اطلاق می‌شود که در نتیجه بیان یک پاره گفتار حادث می‌شود (آستین، ۱۹۶۲: ۱۰۷). براساس این نظریه، «بسیاری از جملات را نمی‌توان بنا بر شرایط صدق و کذب، تأیید و تکذیب کرد و نیز جملاتی در زبان وجود دارد که هیچ خبر و اطلاعاتی به دست نمی‌دهد. برای درک بهتر موضوع که نمی‌توان درباره صدق و کذب بسیاری از جملات پرسید، می‌توان مثال آورد: «قول می‌دهم فردا به دانشکده بروم»؛ در این جمله نیز صدق یا کذب قابل تعیین نیست» (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۷۳). آستین بیان می‌کند که چنین جملاتی از نوع کنش^۲ هستند. پس از آستین، شاگرد وی، جان سِرل^۳ با بسط و روشن‌تر کردن این نظریه، به مراتب، نقش برجسته‌تری در این عرصه ایفا کرد.

نظریه کنش‌گفتار سِرل، به‌ویژه در تحلیل متون مقدس، مانند قرآن کریم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا این متن با هدف هدایت و تأثیرگذاری عمیق بر مخاطب نازل شده است. کنش‌های عاطفی در این نظریه، به دلیل توانایی‌شان در انتقال احساسات و ایجاد ارتباط عمیق با مخاطب، برای تحلیل آیات قرآنی که سرشار از بار عاطفی و تربیتی است، بسیار مناسب است.

۳-۱-۱. دسته‌بندی سِرل

سِرل به یک طبقه‌بندی پنج‌مقوله‌ای از کنش‌های گفتار دست یافت که عبارت است از: کنش اظهاری^۴؛ آن دسته از افعال کنشی است که نشان‌دهنده باور گوینده از درستی اوضاع امور است. اظهاراتی چون بیان واقعیت، تصدیق، نتیجه‌گیری و توصیف، نمونه‌هایی از کنش‌های گفتاری اظهاری‌اند. (یول، ۱۳۸۳: ۷۴)

- 1) Speech Act.
- 2) Act.
- 3) Searl.
- 4) Assertive act.

کنش ترغیبی^۱: به آن دسته از کنش‌هایی اطلاق می‌شود که گوینده با به کارگیری آنها مخاطب را به انجام کاری وادار می‌کند که درواقع می‌توان آن را بیانگر تمایلات و خواسته‌های گوینده تلقی کرد؛ این کنش‌ها شامل فرامین، دستورات، درخواست‌ها، پیشنهادها است که به صورت ایجابی و سلبی ارائه می‌شود. (همان، ۷۵)

کنش عاطفی^۲: هدف غیربیانی (منظوری) این کنش، بیانگر حالات روانی و احساسات گوینده دربارهٔ اوضاع و وقایعی است که در محتوای گزاره‌ای مشخص شده است. (سرل، ۱۹۶۹: ۷۱)

کنش تعهدی^۳: در این کنش، گوینده خود را ملزم به انجام عملی یا عدم انجام آن در آینده می‌کند؛ بنابراین، بیانگر قصد و نیت گوینده است. (همان، ۷۷)

کنش اعلانی^۴: این کنش با اجرا همراه است. درواقع آنچه را گوینده بیان می‌دارد، با اجرای عملی آن تحقق می‌یابد؛ بنابراین، فاصلهٔ زمانی میان گفتار و عمل وجود ندارد. (سرل، ۱۹۶۹: ۷۳)

استفاده از این چارچوب می‌تواند نیت الهی در خطاب به انسان را روشن‌تر کرده و لایه‌های عمیق‌تر معنایی را آشکار سازد. به‌ویژه، کنش‌های عاطفی مانند نکوهش و ستایش در آیات، با ایجاد تأثیرات روانی، مانند ترس، شرم یا محبت، مخاطب را به تأمل و اصلاح رفتار ترغیب می‌کند. این دیدگاه با تأکید بر نقش کنش‌های عاطفی در ایجاد پیوند عمیق میان متن و مخاطب، تحلیل چندلایه‌ای از آیات قرآنی را ممکن می‌سازد.

۳-۲. نظریهٔ هیجانی پلاچیک

هیجان‌ها یا احساسات در روانشناسی معمولاً به احساسات و واکنش‌های عاطفی، اشاره دارند. هر هیجان از سه مؤلفهٔ اساسی برخوردار است: مؤلفهٔ شناختی، افکار، باورها و انتظاراتی که نوع و شدت پاسخ هیجانی را تعیین می‌کند. هیجان‌ها متشکل از الگوهای فیزیولوژیکی و رفتارهای منحصر به فرد است و درواقع، از نظر مردم، غالباً، هیجان همان احساسی است که به فرد دست می‌دهد، ولی هیجان یک رفتار است نه یک تجربهٔ خصوصی و پدیده‌ای که در بقای نوع و تولیدمثل نقش دارد. از علایم هیجان می‌توان به تپش قلب و بالا رفتن فشار خون اشاره کرد (پلاچیک، ۱۳۷۱: ۱۰۴). پلاچیک معتقد است بین هیجان‌ها و شخصیت، ارتباطی نزدیک وجود دارد و این که شخصیت به‌عبارتی نشانگر هیجان‌هایی است که با هم ترکیب و در طول مدت زندگی فرد پایدار شده‌اند.

1) Directive act.
2) Expressive act.
3) Commissive act.
4) Declarative act.

پلاچیک اصول موضوعی در نظریه خود را بیان می‌کند که به این شرح است: اصل (۱): تعداد اندکی از هیجانات خالص یا اولیه وجود دارند. اصل (۲): انواع هیجانات با یکدیگر مرتبط هستند؛ یعنی می‌توانند از اجزای مرحله هیجانات اولیه ترکیب شوند. اصل (۳): هیجانات اولیه از نظر فیزیولوژی و رفتار از یکدیگر متمایز می‌شوند. اصل (۴): هیجانات به شکل خالص خود، مفاهیم ذهنی فرضی و یا حالت ایده‌آلی است که خواص آنها را با استفاده از انواع شواهد مختلف می‌توان استنباط کرد. اصل (۵): هیجان‌های اولیه را می‌توان برحسب زوج‌های متضادی که در دو قطب قرار دارند، بیان کرد. اصل (۶): هریک از هیجان‌ها ممکن است در درجات مختلفی از شدت یا میزان برانگیختگی بروز کند. (پلاچیک، ۱۹۶۲: ۵۵)

نظریه پلاچیک به دلیل ارائه یک مدل ساختاری برای تحلیل هیجان‌های انسانی، ابزاری قدرتمند برای بررسی آیات قرآنی فراهم می‌کند.

طبق اصل (۱)، پلاچیک هیجان‌های اصلی و اولیه را هشت هیجان معرفی کرده است که در شکل زیر نشان داده شده است (همان: ۱۳۴).



شکل ۱. برش عرضی از ساختار هیجانی پلاچیک (۱۹۶۲)

این هشت هیجان اصلی در تضاد با یکدیگر قرار دارند؛ به این صورت که غم در مقابل شادی، پذیرش در مقابل انزجار، تعجب در مقابل پیش‌بینی، خشم در مقابل ترس قرار دارد. براساس نظریه پلاچیک در اصل (۲)، هیجان‌های موجود دیگر، ترکیبی از این هشت گونه هیجان اصلی به‌شمار می‌آیند؛ یعنی از ترکیب یک جفت احساس اصلی، احساس جدیدی به وجود می‌آید. درست همان‌طور که از آمیزش دو رنگ نزدیک به یکدیگر در دایره رنگی، یک رنگ میانی به وجود می‌آید، از ترکیب هیجان‌های اولیه مجاور هم نیز یک هیجان مرکب حدِ وسط به وجود می‌آید (همان: ۱۳۶). این احساس‌های ترکیبی شامل: «خشم + شادی =

غرور»، «شادی + پذیرش = عشق، دوستی»، «پذیرش + تعجب = کنجکاوی»، «تعجب + ترس = هراس، هیبت»، «ترس + غم = ناامیدی، احساس گناه»، «غم + انزجار = محنت، تأسف، پریشانی»، «خشم + انتظار = پرخاش، کینه، سرسختی»، «انزجار + انتظار = بدگمانی»، «خشم + پذیرش = تسلط»، «شادی + تعجب = مسرت»، «پذیرش + ترس = اطاعت، تواضع»، «تعجب + غم = آشفتگی، ناامیدی»، «ترس + انزجار = شرم، ریا»، «غم + انتظار = بدبینی»، «انزجار + خشم = اهانت، تنفر، تغیر، تحقیر، بیزاری، رنجش، دشمنی»، «انتظار + شادی = خوشبینی، شهادت، امیدواری، غرور»، «خشم + تعجب = جسارت، رنجش، بیزاری»، «شادی + ترس = احساس گناه»، «پذیرش + غم = تسلیم، حساسیت»، «ترس + انتظار = اضطراب، احتیاط، بیم، ترس، بدگمانی»، «غم + خشم = رشک، کج خلقی»، «انزجار + شادی = ناخوشی»، «انتظار + پذیرش = تقدیرگرایی» است (همان: ۱۳۹-۱۳۸). این پژوهش این دو الگو را در تحلیل آیات به کار برده است.

قرآن کریم با بهره‌گیری از هیجان‌های پایه و ترکیبی، مخاطب را در سطوح مختلف عاطفی درگیر می‌کند و از این طریق پیام‌های اخلاقی و تربیتی خود را منتقل می‌سازد؛ برای مثال، هیجان‌هایی مانند شرم و بیزاری در آیات نکوهش‌آمیز، مخاطب را به خودآگاهی و پرهیز از گناه سوق می‌دهد؛ درحالی‌که هیجان‌های مثبت مانند شادی و دوستی در آیات ستایش، حس امید و انگیزه را در مخاطب تقویت می‌کنند. انطباق نظریه پلاچیک با آیات قرآنی، نه تنها پیچیدگی‌های عاطفی متن را آشکار می‌کند، بلکه نشان‌دهنده عمق روان‌شناختی قرآن در هدایت انسان به سوی کمال است. این رویکرد تلفیقی، امکان فهم بهتری از تعامل میان زبان و هیجان در متن مقدس را فراهم می‌آورد.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها بر مبنای الگوی کنش‌های گفتاری سرل و چرخه هیجانی پلاچیک در قرآن کریم

واژگان و کاربرد آنها همواره با حالات احساسی، رفتار و حالت‌های متفاوتی مرتبط است. هیجان و حسی که انسان همواره تجربه می‌کند، نقش غیرقابل انکاری در زندگی بشری دارد. در متون ادبی، همچون شعر و قرآن که نظم خاصی دارند، تنها راه دریافت هیجانات، واژگان است. از منظر تولستوی برای دریافت احساسات و عواطف، تنها می‌توان به واژگان پناه برد (لوئیس، ۲۰۱۱: ۱۱۵). شایان ذکر است که نخستین اشارات به هیجانات اصلی پانزده قرن پیش، از سوی خداوند متعال در قرآن کریم، بیان شده است و در آیات مصحف شریف، به کرات، به هیجانات غم، شادی، اندوه، دفاع و مانند اینها اشاره شده است. (نبی‌لو و دادخواه، ۱۴۰۱: ۲۹-۲۸)

در این بخش آیات جزء بیست‌وشش الی بیست‌وهشتم قرآن کریم با تطبیق نظریه سرل و پلاچیک، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵. کنش گفتار عاطفی

تأثیر یک گفته بر مخاطب، هنگامی که آن را به منظور انجام یک کنش گفتاری به کار می‌برد، کنش عاطفی است. کنش عاطفی شامل گفتاری می‌شود که دیدگاه یا حالت روانشناختی گوینده، نظیر لذت، غم، شادی، تأسف و ... را بیان می‌کند. در این نوع کنش، انطباق ذهن و جهان وجود ندارد. جریان هیجانی-عاطفی سبب شکل‌گیری فرآیند یا جریان کنشی می‌شود. احساس گوینده از طریق واژه‌های احساسی و عاطفی با بار مثبت یا منفی بیان می‌شود. (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۷۸)

هدف غیربیانی این کنش بیان حالت روانی است که در آن شخص سهیم شده است. گوینده احساس خود را از طریق قدردانی، عذرخواهی، تبریک، ناسزا بیان می‌کند (همان: ۱۸۰). با بیان یک گزاره با فرض حقیقی بودن آن گزاره در شخص احساسی به وجود می‌آید؛ مثلاً یا خوشحال می‌شود یا افسوس می‌خورد و یا شرم‌منده می‌شود. این دسته از کنش‌ها شامل پاره گفتارهایی می‌شود که برای بیان شادی و غم، علاقه و تنفر و تمایلات و احساسات به کار می‌رود.

افعال کنشی عبارت‌اند از: اظهار همدردی کردن، اهانت کردن، بیان کردن آرزو یا پیش‌بینی کردن، تأمل کردن، تبریک گفتن، تردید داشتن، تسلیم شدن، تشکر کردن، تعجب کردن، تمجید کردن، خشمگین کردن، خشنود شدن، دشنام دادن، سلام دادن، شکایت کردن، معذرت‌خواهی کردن، ناسپاسی کردن و ... (پهلوان نژاد، ۱۳۸۷: ۱۲)

ابزارهای شناخت کنش عاطفی عبارت است از: من تبریک می‌گویم که، من تردید دارم که، من تشکر می‌کنم که، من معذرت می‌خواهم که، من خشنود هستم که و غیره. (همان: ۱۳)

۵-۱. انواع کنش‌های عاطفی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵-۱-۱. نکوهش

موضوع ملامت و نکوهش در قرآن از منظر کنش گفتار عاطفی و تحلیل هیجانی بسیار قابل توجه است؛ چون در بسیاری از آیات، خداوند یا پیامبران با بیانی آمیخته به هیجان، رفتار نادرست افراد یا اقوام را نکوهش (سرزنش) می‌کنند. این سرزنش‌ها معمولاً برای بیدارسازی، هشدار دادن، یا اصلاح مخاطب است و صرفاً تخلیه هیجان ملاک نیست. نکوهش در قرآن در موارد مختلفی به کار رفته است که به شرح آن‌ها می‌پردازیم:

نکوهش اعتقادی: هنگامی که قرآن شرک یا انکار قیامت را مورد نکوهش قرار می‌دهد، لحنی آمیخته با خشم و تهدید دارد. این خشم الهی جسّ ترس را در دل خواننده، به‌منظور پرهیز از انحراف عقیدتی، ایجاد می‌کند: «إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ» (هرکس به خدا شرک آورد، خداوند بهشت را بر او حرام کرده است). (مائده: ۷۲)

نکوهش اخلاقی: صفات ناپسندی مثل تکبر، ریا و بخل، به گونه‌ای نکوهش شده‌اند که خواننده از آنها بیزار شود: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا» (با غرور و سرمستی در زمین راه مرو). (اسراء: ۳۷)

نکوهش اجتماعی: رفتارهایی مثل غیبت یا تمسخر، به گونه‌ای بیان می‌شود که حس همدردی با مظلوم و خشم از ظالم ایجاد می‌شود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، گروهی نباید گروه دیگر را مسخره کنند). (حجرات: ۱۱)

نکوهش تاریخی: وقتی سرگذشت اقوام نابودشده روایت می‌شود، احساس اندوهی همراه با عبرت و حسرت در خواننده برانگیخته می‌شود: «فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذُنُوبِهِ» (پس هر کدام را به سبب گناهش گرفتار کردیم). (عنکبوت: ۴۰)

نکوهش منافقان: ویژگی‌های منافقان با بیانی رسواگر توصیف شده؛ هدف، بیداری عاطفی مؤمنان و ترس از دوچهرگی است: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ» (منافقان در پایین‌ترین طبقه دوزخ خواهند بود). (نساء: ۱۴۵)

نکوهش دنیاگرایی: این آیات، ذهن خواننده را از خواب غفلت بیدار می‌کند و نوعی احساس ناامنی نسبت به دلبستگی‌های ناپایدار دنیا ایجاد می‌کنند: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ» (زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست). (عنکبوت: ۶۴)

نمونه ۱: «اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ» (آن مردم منافق سوگند و قسم‌های خود را سپر قرار دادند پس (خلق را) از راه خدا بازداشتند، پس بر آنها کیفر عذاب ذلت و خواری خواهد بود). (المجادله: ۱۶)

هدف غیربیانی کنش عاطفی، بیان حالت روانی است که با بیان یک گزاره با فرض حقیقی بودن در شخص، احساسی ایجاد می‌شود. خداوند در آیه فوق، می‌فرماید که منافقان از مذهب علیه مذهب استفاده می‌کنند: «اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً». شیاطین جن و انس برای به انحراف کشاندن و بازداشتن مردم از راه حق، راه‌های مختلفی دارند که در قرآن مطرح شده است؛ از جمله: سوگند دروغ که در آیه فوق مشهود است. پس آن دسته از منافقان که با یهودیان دوستی و مودت و با خدا و رسولش دشمنی داشتند را به عذابی دردناک تهدید می‌کنند. عذاب منافقان شدید است: «فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ... فِيهَا خَالِدُونَ»؛ از این رو، می‌توان تهدیدکردن را یکی از مصداق‌های افعال کنش عاطفی در نظر گرفت که به صورت ضمنی و غیرمستقیم بنابر بافت موقعیت در آیه فوق، مشهود است؛ از سویی دیگر، با خشم خداوند نسبت به کفار، به جهت همراهی با منافقین و بازگشت از راه خدا مواجهیم. خشمگین شدن نیز یکی دیگر از مصداق‌های افعال کنش عاطفی است که در بافت موقعیت قابل‌بازیابی است؛ از این رو، تعبیر کنشی آیه فوق، کنش عاطفی به جهت نکوهش کفار و منافقین برای بازداشتن مردم از راه خدا است.

خداوند در آیه فوق، منافقین را به عذابی خفت‌آور تهدید کرده و آنان را بر نتیجه عمل‌شان و بازداشتن مردم از راه خدا هشدار می‌دهد. هشدارهای قرآن بسیار جدی است. علت این هشدار، توطئه منافقان علیه مذهب است. تهدید، بیان نیت شخصی است که قصد دارد به دیگری زیان یا آسیب برساند. شایان ذکر است یکی از هیجان‌های یافت‌شده در قرآن کریم که در چرخه هیجان‌ات پلاچیک یافت نشد، هیجان تهدید است که از تلفیق دو هیجان خشم + ترس حاصل می‌گردد. همچنین در حوزه چرخه هیجان‌ات پلاچیک، از تلفیق دو هیجان اصلی تعجب + ترس = هشدار، هیبت و هراس حاصل می‌گردد. در آیه فوق، خداوند به منافقان عذابی دردناک در قبال سوگندهای دروغ، وعده می‌دهد؛ بنابراین، دو هیجان هشدار و تهدید قابل‌بازیابی است، اما بنابر بافت معنایی، هیجان غالب هیجان تهدید است؛ بنابراین، خوانش هیجانی آیه فوق، هیجان تهدید منافقان به عذابی دردناک است.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه (المیزان، ۱۲۳ /) بیان می‌کند که منافقان با سوگندهای دروغین خود، سپری برای فریب مردم و بازداشتن آن‌ها از مسیر حق ایجاد کردند. این رفتار آن‌ها نشان‌دهنده نفاق و دشمنی با خدا و رسول است و عذاب مهین (خوارکننده) نتیجه مستقیم این انحراف است. علامه تأکید می‌کند که این عذاب، پاسخی به سوءنیت و فریبکاری منافقین است که با مفهوم تهدید و خشم الهی در تحلیل، همخوانی دارد. همچنین، اشاره به عذاب مهین شدت نکوهش الهی را نشان می‌دهد که با کنش عاطفی تهدید و هشدار در آیه، مطابقت دارد.

نوع کنش عاطفی	هیجان اصلی	شدت هیجان	هدف گفتمانی
نکوهش	تهدید	شدید	هشدار به کفار

عبارت «فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» به عذابی خوارکننده و دردناک اشاره دارد که شدت خشم الهی و جدیت هشدار را نشان می‌دهد. تهدید در این آیه با هدف ایجاد ترس عمیق و اصلاح رفتار منافقان طراحی شده است که نشان‌دهنده شدت بالای هیجان است.

۵-۲. نفرین

کنش عاطفی نفرین در قرآن در قالب عباراتی چون «لعنت» یا «غضب خدا» وجود دارد و به‌طور معمول، با خشم، انزجار و تنبیه همراه است. در قرآن، نفرین اغلب یک ابزار برای ابراز ناراضایتی شدید خداوند از عملکرد انسان‌ها استفاده می‌شود و معمولاً در مواقعی که فرد یا قومی به شدت به فساد، ظلم یا نافرمانی از دستورات الهی پرداخته‌اند، به کار می‌رود. نفرین یا لعن در قرآن، اعلام جدی محرومیت از فضل، هدایت یا آمرزش الهی است و معمولاً نسبت به گناهان بزرگ و تکرارشونده به کار می‌رود. موضوعات و گروه‌های مورد لعن و نفرین در قرآن، عبارتند از: شیطان و پیروانش، کافران و ظالمان، قاتلان پیامبران و

منافقان: «إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الشَّيْطَانَ وَقَالَ لَا تَخَذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا» (همانا خداوند شیطان را لعنت کرد و او گفت: از بندگان تو بهره‌ای معین خواهم گرفت). (نساء: ۱۱۸)

نمونه ۲: «وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صِحْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتِلْهُمْ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» (تو چون آن منافقان را مشاهده کنی، ظاهر و وجود جسمانی آنها (به آراستگی فریبنده) تو را به شگفت آورد و اگر سخن گویند (بس خوش گفتار و چرب زبانند) به سخن‌هاشان گوش فرا خواهی داد (ولی از باطن و درون)؛ گویی که چوبی خشک تکیه کرده بر دیوارند (و هیچ عقل و ایمان و معرفت ندارند و چون در باطن نادرست و بداندیشند)؛ هر صدایی بشنوند بر زیان خویش پندارند. دشمنان به حقیقت اینان هستند، از ایشان بر حذر باش، خدایشان بکشد؛ (از حق) به کجا بازگردانیده می‌شوند؟) (المنافقون: ۴)

این کنش، احساس گوینده درباره اوضاع و شرایط را نشان می‌دهد؛ یعنی از مکنونات قلبی و حس درونی فرد خبر می‌دهد. محتوای گزاره‌ای آیه فوق، شرح اوصاف و ویژگی‌های منافقین است که خداوند مورد نکوهش قرار می‌دهد. خداوند در آیه فوق، می‌فرماید: «قَاتِلْهُمْ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ» (خدایشان بکشد، (از حق) به کجا بازگردانیده می‌شوند؟) مخاطب خداوند در این آیه، پیامبر است و خداوند منافقان را نفرین کرده و مورد عتاب قرار می‌دهد؛ از این رو، یکی از مصداق‌های افعال کنش عاطفی در جمله، نفرین کردن است که به صورت صریح و مستقیم در آیه فوق، قابل مشاهده است؛ بنابراین، آیه فوق در بردارنده کنش عاطفی به جهت نفرین منافقین از سوی خداوند است.

خداوند در آیه فوق، منافقان را نفرین نموده و برای آنان آرزوی مرگ می‌کند. منافقان با خدا درگیر هستند و خداوند نیز آنها را لعنت می‌کند: «قَاتِلْهُمْ اللَّهُ». بیزاری یکی از هیجان‌های اولیه است که با محرک‌های ناخوشایند، برانگیخته می‌شود. در حوزه چرخه هیجانات پلاچیک، از تلفیق دو هیجان انزجار + خشم = هیجان تحقیر، بیزاری و خشم پدید می‌آید؛ بنابراین، خوانش هیجانی آیه فوق هیجان بیزاری یا انزجار خداوند از منافقان است. علامه در تفسیر این آیه (المیزان، ۱۹/۲۷۸)، می‌فرماید که عبارت «قَاتِلْهُمْ اللَّهُ» نفرینی است که خداوند به واسطه انحراف و نفاق منافقان بر آنها روا می‌دارد. او توضیح می‌دهد که منافقان با ظاهر فریبنده و سخنان جذاب، باطنی تهی از ایمان دارند و این نفرین الهی، نشانه خشم و بیزاری خداوند از رفتار آنها است؛ بنابراین، تفسیر با تحلیل مبنی بر کنش عاطفی نفرین و هیجان بیزاری همخوانی دارد؛ زیرا نفرین الهی در اینجا، ابزاری برای ابراز خشم و تحقیر منافقین به کار رفته است.

نوع کنش عاطفی	هیجان اصلی	شدت هیجان	هدف گفتمانی
نفرین	بیزاری	شدید	ایجاد بازدارندگی

کنش عاطفی نفرین در قرآن، معمولاً با شدت هیجانی بالا همراه است و هدف آن بیشتر اصلاح اجتماعی و دینی است. نفرین در قرآن بیشتر ابزاری برای بیان خشم الهی نسبت به تخلفات و انحرافات انسان‌ها، استفاده شده است. عبارت «قَاتِلْهُمْ اللَّهُ» نفرینی صریح است که خشم و بیزاری شدید الهی از منافقان را نشان می‌دهد. شدت بالای این هیجان در استفاده از واژه نفرین و اشاره به دشمنی منافقان با خدا و رسول مشهود است. این هیجان با هدف اصلاح اجتماعی و دینی و هشدار به مخاطبان برای دوری از نفاق، تأثیر عمیقی بر جای می‌گذارد.

۵-۱-۳. جلب توجه

جلب توجه در قرآن، یکی از ابزار عاطفی مؤثر برای هدایت مخاطب است. این کنش به صورت‌های مختلفی به کار می‌رود تا ذهن و دل انسان را متوجه پیام الهی کند و زمینه پذیرش، تفکر و تأمل را فراهم سازد. قرآن با بهره‌گیری از زبان تأثیرگذار، شنونده یا خواننده را وادار به توقف، تأمل و توجه می‌کند. جلب توجه در قرآن در قالب‌های مختلف، نمود پیدا می‌کند که عبارت است از:

سوگند (قسم خوردن): قرآن برای جلب توجه و تأکید بر اهمیت یک حقیقت، با عناصری از عالم هستی سوگند یاد می‌کند: «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا» (قسم به خورشید و تابش آن). (شمس: ۱)

سؤال‌های انکاری: طرح پرسش‌هایی که پاسخ‌شان بدیهی است تا ذهن مخاطب را فعال کند: «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ» (آیا برای او دو چشم قرار ندادیم؟) (بلد: ۸)

تشبیه‌های برجسته و ضرب‌المثل‌ها: قرآن از تشبیهات قوی برای انتقال مفاهیم و جذب حس تحلیل استفاده می‌کند: «مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ» (مثل نور خدا همچون چراغدانی است که در آن چراغی باشد). (نور: ۳۵)

داستان‌سرایی (قصص قرآنی): قرآن از روایت‌های واقعی و آموزنده برای جلب توجه بهره می‌گیرد: «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ» (ما بهترین سرگذشت‌ها را برای تو حکایت می‌کنیم). (یوسف: ۳)

نمونه ۳: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» (هر که روی زمین است دستخوش مرگ و فناست). (الرحمن: ۲۶)

هدف غیریابانی کنش عاطفی، بیان حالت روانی است که شخص در آن سهیم شده است. گوینده با بیان موضوعی با در نظر گرفتن حقیقی بودن گزاره، احساس خود را بیان می‌دارد. خداوند در آیه فوق، توجه انسان را به مرگ جلب می‌کند. مرگ دریچه‌ای است به عالم بقا و گذرگاهی است که عبور از آن، شرط رسیدن به آخرت است. خداوند در آیه فوق، مسئله

مرگ را با هدف ایجاد تأمل در انسان و یادآوری این نکته که دنیا جای بقا نیست و مبادا دلبستگی به دنیا پیدا کنید، مطرح می نمایند. بدین سبب یکی دیگر از مصداق های افعال کنش عاطفی تأمل و جلب توجه است؛ از این رو، تعبیر کنشی آیه فوق، کنش عاطفی با هدف جلب توجه انسان به عالم بقا است.

خداوند در آیه فوق، مسئله آخرت و توجه انسان به سرنوشت خویش در قالب قیامت را متذکر می شود. انسان در دنیا همواره با مرگ مواجه است و پذیرش مرگ از سوی انسان امری بدیهی است. مرگ، قانونی عام و فراگیر است: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» (دنیا با تمامی نعماتش فانی و زودگذر است). در حوزه چرخه هیجانات پلاچیک از تلفیق دو حس انتظار + پذیرش = تقدیرگرایی حاصل می گردد. اعتقاد به تقدیر در اغلب زوایای زندگی بشر، پدیدار بوده است. تقدیر یا سرنوشت، همان خبر از پیش تعیین شده است. این مفهوم موجب آینده ای است که لااقل بخشی از آن، پیشاپیش مقرر و مشخص شده است (ملکشاهی، ۱۳۸۷، ۱)؛ از این رو، خوانش هیجانی آیه فوق، هیجان تقدیرگرایی انسان و پذیرش آخرت است.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه (المیزان، ۴۴/۱۹)، بیان می کند که این آیه به فانی بودن همه موجودات روی زمین اشاره دارد و هدف آن، توجه دادن انسان به حقیقت مرگ و گذرا بودن دنیا است. او تأکید می کند که خداوند با این بیان، انسان را به تأمل در سرنوشت خود و آمادگی برای آخرت دعوت می کند؛ از این رو، تفسیر با تحلیل درباره کنش عاطفی تأمل و جلب توجه به عالم بقا و هیجان تقدیرگرایی سازگار است؛ زیرا این آیه انسان را به پذیرش قانون عام مرگ و تفکر در عاقبت خویش ترغیب می کند.

نوع کنش عاطفی	هیجان اصلی	شدت هیجان	هدف گفتمانی
جلب توجه	تقدیر گرایی	متوسط	توجه به عالم بقاء

این آیه با اشاره به فانی بودن موجودات زمین، انسان را به تأمل در مرگ و پذیرش سرنوشت دعوت می کند. شدت هیجان در اینجا متوسط است؛ زیرا آیه به صورت غیرمستقیم و با لحنی تأمل برانگیز (نه تهدیدآمیز یا شدید)، مخاطب را به تفکر و پذیرش قانون الهی هدایت می کند. این هیجان، آرامش درونی و پذیرش را در کنار تأمل ترویج می دهد.

۴-۱-۵. تحسر

کنش عاطفی تحسر در قرآن، به معنای احساس پشیمانی یا حسرت ناشی از ارتکاب گناه یا عدم انجام وظیفه است. در قرآن، تحسر در سوره هایی که به سرنوشت اقوام گذشته یا کسانی که از فرصت های الهی بهره نبرده اند، به طور آشکار، دیده می شود. برخی آیات به طور خاص به حالت تحسر افراد در قیامت اشاره دارند که به دلیل غفلت از آموزه های

الهی و بی‌توجهی به دعوت پیامبران، احساس پشیمانی خواهند داشت. کنش تحسر در قرآن بازنمودهای مختلفی دارد که عبارت است از:

تحسر انسان در قیامت برگزشته: قرآن تصویرهایی از انسان در قیامت ارائه می‌دهد که با حسرت و اندوه به گذشته نگاه می‌کند: «يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ» (افسوس بر من! که در انجام وظایفم در برابر خدا کوتاهی کردم). (زمر: ۵۶)

تحسر پیامبر(ص) یا مؤمنان بر مردم غافل: گاهی پیامبر(ص) با اندوه و حسرت، به حال مردم لجوج یا غافل حسرت می‌خورد: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (شاید از شدت اندوه بر حال آنان، جان خود را بر اثر بی‌اعتقادی‌شان از دست بدهی). (کهف: ۶)

تحسر بر از دست دادن دنیا، فرزند یا مال: گاه انسان در دنیا، وقتی دچار خسران مالی یا فقدان عاطفی می‌شود، تحسر می‌خورد: «وَأَصْبَحَ يُفْلِبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا» (صاحب باغ نابودشده [دست‌هایش را به هم می‌مالید و از آنچه در آن [باغ] خرج کرده بود، افسوس می‌خورد... (کهف: ۴۲)

تحسر هنگام مرگ: افسوس برخی انسان‌ها در لحظه مرگ که دیگر راه بازگشت ندارند: «رَبِّ ارْجِعُونِ، لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ» [گناهکار] می‌گوید: پروردگارا! مرا بازگردان، شاید در آنچه [از اعمال] ترک کرده‌ام، کار نیک انجام دهم. (مؤمنون: ۹۹-۱۰۰)

نمونه ۴: «فَدَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا» (تا کیفر کردار خود چشیدند و عاقبت کارشان زیانکاری (و حسرت) گردید). (الطلاق: ۹)

در مقوله کنش عاطفی، گوینده احساس خود را از طریق قدردانی، عذرخواهی، تبریک، ناسزا گفتن، خشمگین شدن و مانند آن بیان می‌دارد. در آیه فوق، خداوند به احساس انسان در قبال اعمالش اشاره دارد که روی گرداندن از فرمان خداوند خسران، زیان کاری و حسرت را برای وی به دنبال دارد: «وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا» (پس هر کسی چنین کند، نصیب‌شان زیان کاری و حسرت گردید). خداوند با بیان عقوبت اعمال، انسان را به تأمل واداشته و اشاره می‌کند که سرانجام سریچی از فرمان خدا و رسول خسارت است: «عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا» و احساس تحسر در آخرت را به انسان در قبال اعمال دنیا یادآوری می‌نماید. شایان ذکر است، یکی از مصداق‌های افعال کنش عاطفی تأمل و حسرت خوردن است که هر دو مورد در بافت موقعیت به صورت ضمنی و غیرمستقیم قابل‌بازیابی است؛ همچنین یکی از پیام‌های ضمنی نهفته در آیه، آن است که به کامیابی‌های زودگذر نیندیشیم و پایان کار را مد نظر قرار دهیم؛ درحقیقت، انسان به تفکر به عاقبت کار نیز ترغیب می‌شود؛ از این رو، خوانش کنشی آیه فوق، کنش عاطفی با هدف بیان تحسر انسان نسبت به عقوبت اعمال و کیفر کردار در آخرت و تفکر به عاقبت کار است.

در آیه فوق، خداوند سرنوشت کفار را که از فرمان خدا و رسول خدا سرپیچی می‌کنند، یادآوری می‌نماید. خداوند می‌فرماید: «وَكَانَ عَاقِبَةُ أُمْرِهَا خُسْرًا» (و عاقبت کارشان زیانکاری (و حسرت) گردید). در حوزه چرخه هیجانات پلاچیک از تلفیق دو هیجان اندوه + انزجار = هیجان پشیمانی حاصل می‌گردد. پشیمانی احساسی است که بیشتر انسان‌ها در زندگی تجربه می‌کنند. احساس پشیمانی می‌تواند نشان‌دهنده ندامت از انجام یک عمل یا انجام ندادن آن باشد. خداوند این مهم را خاطرنشان می‌کند که کفار در این دنیا با عذاب الهی نابود خواهند شد و در آخرت نیز عاقبت کارشان پشیمانی و حسرت خواهد بود؛ بنابراین، تعبیر هیجانی آیه فوق، هیجان پشیمانی کفار در روز قیامت است. شایان ذکر است، براساس نظریه پلاچیک، پشیمانی از ترکیب دو هیجان اندوه و انزجار به وجود می‌آید. در این آیه، خداوند با اشاره به «خسران» (زیانکاری) و «وبال امر» (کیفر کردار)، به طور ضمنی، این دو هیجان را متقل می‌کند: اندوه به دلیل از دست دادن فرصت‌ها و انزجار از رفتار نادرست. این ترکیب هیجانی بدون نیاز به بیان مستقیم پشیمانی از زبان شخص، در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد و او را به درک عمیق‌تر پیام هدایت می‌کند.

علامه در تفسیر این آیه (المیزان، ۱۹/ ۳۴۷)، می‌فرماید که این آیه به عاقبت شوم کسانی اشاره دارد که از فرمان خدا سرپیچی کرده‌اند و نتیجه اعمال‌شان خسران و زیان است. او تأکید می‌کند که خداوند با بیان این عاقبت، انسان را به تفکر در نتایج اعمالش و حسرت ناشی از غفلت دعوت می‌کند؛ بنابراین، تفسیر مذکور با تحلیل مبنی بر کنش عاطفی تأمل و حسرت و هیجان پشیمانی همخوانی دارد؛ زیرا آیه به‌وضوح به پیامدهای منفی اعمال و احساس ندامت اشاره می‌کند.

نوع کنش عاطفی	هیجان اصلی	شدت هیجان	هدف گفتنی
تحسر	پشیمانی	شدید	کارکرد تربیتی

عبارت «وَكَانَ عَاقِبَةُ أُمْرِهَا خُسْرًا» حسرت و زیانکاری ناشی از سرپیچی از دستورات الهی را با شدت متقل می‌کند. شدت بالای این هیجان در تأکید بر خسران و یادآوری عواقب اعمال مشهود است که با هدف بیدارسازی مخاطب و ترغیب به اصلاح رفتار بیان شده است؛ این هیجان، تأثیر روانی قوی بر مخاطب دارد.

۵-۱-۵. ستایش

کنش عاطفی ستایش در قرآن، به‌طور گسترده‌ای در قالب تحسین ویژگی‌های الهی، اعمال نیک انسان‌ها یا پدیده‌های طبیعی به کاررفته است. این کنش عاطفی می‌تواند به معنای اظهار تعظیم و احترام یا ابراز خوشنودی و قدردانی باشد. در قرآن، ستایش هم به خداوند، هم به برخی از پیامبران و هم به ویژگی‌های خاص انسان‌ها و موجودات دیگر اختصاص دارد.

ستایش خداوند: ستایش ویژگی‌های برجسته در قرآن است و عمدتاً با عنوان دعوت به توجه و تقدیر از صفات خداوند مطرح می‌شود. خداوند در قرآن به‌طور مکرر برای صفات پاک و کمالات بی‌پایان ستایش می‌شود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (ستایش ویژه خداوندی است که پروردگار جهانیان است). (فاتحه: ۱)

ستایش از پیامبران: پیامبران نیز در قرآن، مورد ستایش قرار می‌گیرند؛ چراکه آنها نمایندگان خداوند برای هدایت بشر بودند و از ویژگی‌های برجسته‌ای چون صداقت، فداکاری و دیانت برخوردار بودند: «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا» (و در کتاب از ابراهیم یاد کن که او بسیار راستگو و پیامبری بود). (مریم: ۴۱)

ستایش از اعمال نیک انسان‌ها: در قرآن، ستایش به عمل نیک و ایمان مردم نیز اختصاص دارد. این ستایش‌ها به‌منظور تشویق مردم به پیروی از مسیر درست و انجام اعمال صالح است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، بهترین آفریدگان‌اند). (بینه: ۷)

ستایش از پدیده‌های طبیعی: ستایش از مخلوقات الهی و نشانه‌های عظمت خداوند در خلقت نیز در قرآن دیده می‌شود. این پدیده‌ها با عنوان دلایلی برای شناخت قدرت و حکمت خداوند ذکر می‌شوند: «فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» (پس کدام‌یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟) (رحمن: ۱۳)

ستایش از ویژگی‌های اخلاقی در قرآن: ویژگی‌های اخلاقی همچون صداقت، فداکاری، صبر و شجاعت نیز مورد ستایش قرار می‌گیرند: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (و خداوند شکیبایان را دوست دارد). (آل عمران: ۱۴۶)

نمونه ۵: «سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (هر چه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش یکتا خدای عالم که مقتدر و حکیم است مشغولند). (الحشر: ۱)

آیه فوق به تسبیح و ستایش خداوند دلالت دارد. خداوند می‌فرماید که هرآنچه در زمین و آسمان است، تسبیح‌گوی خداوند است؛ البته بایستی توجه کرد که مدح و تسبیح عمومی موجودات زمین و آسمان با زبان حال است؛ چراکه نظام شگفت‌انگیزی که در آفرینش هر ذره‌ای به کار رفته با زبان حال خویش بیانگر علم و حکمت خدا است. در کنش عاطفی به احساس گوینده اشاره می‌کند و این نوع احساسات، غالباً، با تشکر، سپاسگزاری، تمجید کردن و امثالهم بیان می‌شود؛ از این رو در این آیه، دو فعل ستایش کردن و احترام گذاشتن را می‌توان از ابزارهای شناخت این نوع کنش دانست که هر دو مورد به صورت ضمنی در آیه فوق، قابل‌بازیابی است؛ بنابراین، آیه فوق دربردارنده کنش عاطفی با هدف ستایش پروردگار از سوی کائنات عالم است.

همان‌گونه که ذکر گردید، در این آیه به ستایش و تسبیح موجودات زمین و آسمان اشاره شده است. توجه به مسئله تسبیح عمومی موجودات و نظام شگفت‌انگیز حاکم بر آن‌ها که بهترین دلیل بر وجود خالق عزیز و حکیم است، پایه‌های ایمان را در قلوب مؤمنان استحکام می‌بخشد؛ درحقیقت، با ابراز محبت و دوستی از سوی کائنات در قبال پروردگار خویش مواجهیم. در حوزه چرخه هیجانان پلاچیک از ترکیب دو هیجان شادی + پذیرش = هیجان عشق و دوستی حاصل می‌گردد؛ از این رو، تعبیر هیجانی آیه فوق هیجان دوستی و مدح کائنات در قبال خداوند خالق آسمان و زمین است.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه فوق (المیزان، ۱۴۷/۱۹)، بیان می‌کند که تسبیح موجودات آسمان و زمین، نشانه‌ای از عظمت و حکمت الهی است و این تسبیح به صورت زبان حال، بیانگر ستایش و تعظیم خداوند است.

نوع کنش عاطفی	هیجان اصلی	شدت هیجان	هدف گفتمانی
ستایش	دوستی	متوسط	ستایش پروردگار از سوی کائنات عالم

این آیه با اشاره به تسبیح موجودات آسمان و زمین، حس ستایش و محبت به خداوند را منتقل می‌کند. شدت هیجان در اینجا متوسط است؛ زیرا آیه با لحنی آرام و معنوی، بدون تأکید بر احساسات شدید، مانند خشم یا ترس، مخاطب را به ستایش و محبت به خدا دعوت می‌کند. این هیجان، حس آرامش و تعلق خاطر به پروردگار را تقویت می‌کند.

جدول ۱. بسامد کنش‌های عاطفی و هیجان‌ها

ردیف	کنش عاطفی	بسامد	هیجان‌ها (بسامد)
۱	نکوهش	۶۲	شرم (۱۷) - بیزاری (۱۷) - هشدار (۷) - تاسف (۷) -
۲	جلب توجه	۲۱	غم (۶) - تقدیرگرایی (۶) - شادی (۶) - کنجکاوی (۵) -
۳	ستایش	۱۴	ترس (۴) - تهدید (۴) - دوستی (۴) - امیدواری (۴) -
۴	نفرت	۶	تدبیر (۴) - هیبت و هراس (۳) - ناامیدی (۳) -
۵	تحسّر	۶	(۳) - تعجب (۲) - غرور (۲) - تسلیم (۲) - خشم (۱) -
			تسلط (۱) - پشیمانی (۱) - تحقیر (۱) - حسرت (۱) -
			انتظار (۱)
۶	مجموع		۱۰۹

هدف غیربیانی کنش‌های عاطفی، بیان حالت روانی است که انسان در آن سهیم شده است. کنش‌های عاطفی یافت‌شده در آیات قرآن، غالباً معطوف به جلب توجه انسان به آخرت، پرهیز از گناه و عبرت‌آموزی است. بیشترین بسامد مربوط به کنش نکوهش است. شایان ذکر است، تمام صفات انسانی، چه مثبت و چه منفی، لازم، کمال، رشد و تعالی انسان

است؛ چنانچه برخی از ویژگی‌های انسانی در پاره‌ای از آیات مورد نکوهش و ملامت قرار می‌گیرند، معطوف به آن سمتی است که انسان آن را در راه نادرست به کار می‌گیرد. قرآن به مسئله معاد و قیامت توجه ویژه‌ای دارد؛ چراکه برای تعدادی از انسان‌ها تنها رستخیز و بحث حسابرسی سبب می‌شود که از ارتکاب به بسیاری از اعمال امتناع ورزند. کنش‌های ستایش، نفرین و تحسیر در آیات مورد مطالعه از لحاظ فراوانی در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. هرگونه غفلت انسان نسبت به جایگاه خویش و خداوند و عدم بهره‌مندی از فرصت‌ها، عامل مهمی است که حسرت و اندوه در قیامت را به دنبال دارد. خداوند در آیه ۳۰ سوره آل عمران می‌فرماید: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» (روزی که هر کس، هر کار نیکی که انجام داده، حاضر می‌بیند؛ و آرزو می‌کند میان او و هر کار بدی که انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد. خداوند شما را از [نافرمانی] خودش، برحذر می‌دارد؛ و [با این حال]، خدا نسبت به همه بندگان، مهربان است)؛ بدین جهت است که روز قیامت که روز گشوده شدن چشم‌ها و آشکار شدن حقایق (تبلی السرائر) است و حقیقت هستی هر شخص به وی نشان داده می‌شود، روز حسرت نامیده می‌شود. درخصوص هیجان‌های یافت‌شده در آیات، شاهد پیوستار هیجانی با بار عاطفی منفی هستیم. غالب هیجان‌ها در آیات مورد مطالعه دارای بار عاطفی منفی هستند. هیجان شرم، بیزاری و هشدار بیشترین تعداد هیجان‌های عاطفی را به خود اختصاص می‌دهند؛ همچنین مجاورت عاطفی نزدیکی میان کنش‌های عاطفی و هیجان‌های مستتر در آیات وجود دارد؛ همان‌گونه که کنش‌های به‌کاررفته در آیات، هشداردهنده بوده و غالباً بار عاطفی منفی دارند، هیجان‌های عاطفی یافت‌شده نیز از همان الگو پیروی می‌کند. به کارگیری هیجان‌هایی با بار عاطفی منفی در آیات، بیشتر با هدف هشدار به انسان و تقبیح کفار به جهت نافرمانی و ناسپاسی از نعمات و الطاف الهی است. بار مفهومی موجود در آیات، ناظر بر آن است که کسانی که در دنیا غرق لذت‌های مادی هستند و متکبرانه مشغول نافرمانی خدا هستند و نیز مشرکان که به دنبال ایجاد شبهه در دین هستند، در قیامت خوار و ذلیل خواهند شد؛ از این رو در بیشتر هیجان‌ها، بار عاطفی منفی به عملکرد انسان و عدم توجه به روز معاد و غرور انسان در دنیا، مشهود است. در میانه پیوستار، هیجان‌هایی با بار عاطفی مثبت، نظیر شادی و امیدواری را شاهد هستیم که غالباً به بخشنده و مهربان بودن خداوند اشاره دارد؛ بنابراین پیوستار هیجانی موجود با بار عاطفی منفی آغاز شده و با هیجان‌هایی نظیر پشیمانی، حسرت و تحقیر کفار به پایان می‌رسد.

مقایسه کنش‌های عاطفی با هیجان‌های موجود در چرخه هیجانی پلاچیک، نشان می‌دهد که هر کنش گفتاری در قرآن با هیجان خاص یا مجموعه‌ای از هیجانات بنیادین پیوند خورده است. هیجان‌ها با بار عاطفی منفی، مانند شرم، بیزاری و هشدار در آیاتی که

متضمن انذار و تهدید نسبت به گناه و غفلت‌اند، به کار گرفته شده و کارکرد بازدارنده و هشداردهنده دارند.

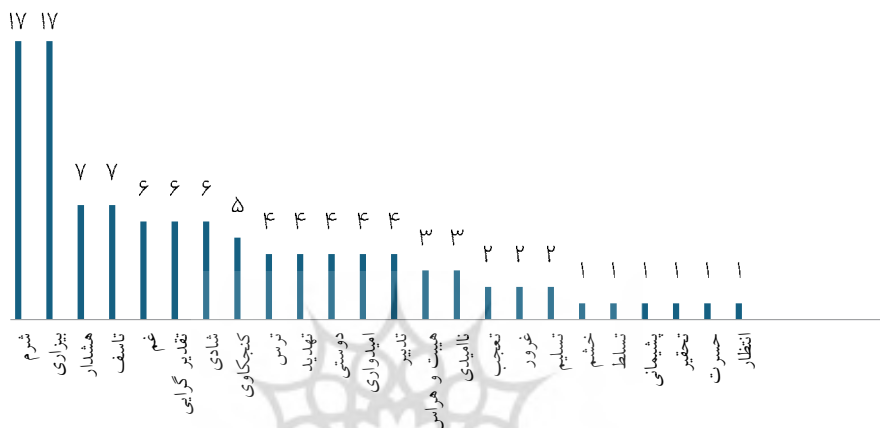
جدول ۲. همبستگی انواع کنش‌های عاطفی و هیجانات غالب

نوع کنش	بسامد	هیجان غالب	بسامد هیجان	هدف گفتمانی
نکوهش	۶۲	شرم	۱۷	هشدار و آگاهی بخشی/ بیان احساسات منفی / مرزبندی هویتی
جلب توجه	۲۱	هشدار	۷	تحریک احساسات در مخاطب/ برجسته‌سازی پیام/ تأمل در پدیده‌های خلقت
ستایش	۱۴	دوستی	۴	تأیید الگوهای مثبت/ تحکیم هویت دینی/ ایجاد انگیزش و امید
نفرت	۶	بیزاری	۱۷	طرد شدن از رحمت الهی/ برانگیختن احساس نفرت/ ابراز تهدید
تحسر	۶	ناامیدی/ پشیمانی	۴	هشدار/ عبرت‌آموزی/ عدالت محوری

سال دهم
شماره اول
پیاپی: ۱۸
بهار و تابستان
۱۴۰۵

همبستگی میان کنش‌های عاطفی و هیجانات غالب در آیات جزء ۲۶ الی ۲۸ قرآن کریم، نشان می‌دهد که آیات قرآن با دقتی ساختاری و هدفمند، احساسات انسانی را برای هدایت و بیداری فطرت مخاطب برمی‌انگیزند. کنش‌های گفتاری با بار هیجانی متنوعی به کار رفته‌اند که هریک متناسب با هدف و موقعیت گفتاری خاصی شکل گرفته‌اند. در میان انواع کنش‌ها، کنش نکوهش، بیشترین فراوانی را دارد و هیجان غالب آن شرم است. این نوع کنش عاطفی عمدتاً با هدف هشدار، آگاهی‌بخشی و بیدارسازی احساسات هویتی و دینی مطرح می‌شود. از منظر سرل، این نوع گفتار در زمره کنش‌های هنجاری و قضاوت‌محور قرار می‌گیرد و با برانگیختن شرم در مخاطب، زمینه اصلاح و خودآگاهی را فراهم می‌کند. شرم در نظریه پلاچیک از هیجان‌های ترکیبی است که از هم‌نشینی ترس و پذیرش ناشی می‌شود و بر احساس کاستی درونی و نیاز به بازسازی رفتار دلالت دارد. کنش جلب توجه و هیجان هشدار، دومین نوع پرکاربرد است که با کارکرد انگیزشی، تأمل‌برانگیزی و برانگیختن حس شگفتی در مخاطب همراه است. این کنش در ایجاد بستر معرفتی برای درک پدیده‌های خلقت نقش دارد و هیجان هشدار موجب تحریک واکنش فوری و تمرکز می‌شود. کنش ستایش، هیجان دوستی را برمی‌انگیزد و هدف آن تقویت الگوهای مثبت، امیدبخشی و استحکام باورهای دینی است. دوستی که در مدل پلاچیک، معادل با هیجان‌های پذیرش و

لذت قرار می‌گیرد، موجب تسهیل ارتباط و الگوپذیری می‌گردد. از سوی دیگر، کنش نفرین با هیجان بیزاری و بسامد کمتر (۶ مورد) بیشتر در مواضع مرزگذاری اعتقادی، طرد و تهدید الهی به کار رفته است؛ در نهایت، کنش تحسر با هیجانات ناامیدی و شرمندگی نشان‌دهنده بازتاب پیامدهای غفلت، ایجاد عبرت و عدالت‌محوری در متن است. این کنش‌ها با تأکید بر حس فقدان یا ناکامی، زمینه بازاندیشی در رفتار و نگرش مخاطب را فراهم می‌سازند.



نمودار ۱. فراوانی هیجان‌ها در آیات



نمودار ۲. فراوانی کنش‌های عاطفی در آیات

نمودارهای فراوانی ارائه‌شده در پایان مطالعه، ساختار عاطفی گفتمان قرآن در جزء ۲۶ تا ۲۸ را به‌وضوح منعکس می‌کند. این ساختار با نظریه کنش گفتاری سرل همسو است و با

چرخه احساسات پلاچیک مطابقت دارد که نشان‌دهنده توجه قرآن به ابعاد عقلانی و عاطفی طبیعت انسان است.

۶. نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که غالب هیجان‌های شناسایی شده در آیات مورد مطالعه، بار عاطفی دارد. هیجان‌هایی نظیر شرم، بیزاری، هشدار، پشیمانی و تحسر بیشترین بسامد را در میان هیجان‌های استخراج شده دارد. این امر حاکی از آن است که آیات مورد بررسی عمدتاً بر بیدارسازی مخاطب، هشدار نسبت به عواقب نافرمانی و تقبیح رفتارهای نادرست متمرکز است. این هیجان‌ها ابزاری برای اصلاح رفتار و دعوت به خودآگاهی و بازگشت به مسیر الهی است. کنش‌های عاطفی نکوهش و جلب توجه بالاترین فراوانی را دارد. کنش نکوهش در آیات به شکل سرزنش رفتارهای نادرست، مانند شرک، تکبر، ریا و نفاق ظاهر می‌شود و با هدف اصلاح و بیداری عاطفی مخاطب به کار می‌رود. این کنش معمولاً با هیجان‌هایی مانند خشم، ترس و بیزاری همراه است که شدت تأثیرگذاری پیام را افزایش می‌دهد. کنش جلب توجه نیز برای واداشتن مخاطب به تأمل در مفاهیم عمیق الهی به کار می‌رود. یافته‌های پژوهش فرضیه اول را تأیید می‌کند که کاربرد هم‌زمان نظریه کنش گفتاری سرل و چرخه هیجانی پلاچیک در تحلیل آیات جزء ۲۶ تا ۲۸ قرآن کریم، امکان شناسایی الگوهای زبانی-هیجانی را فراهم کرده و رابطه متقابل میان کنش‌های گفتاری و هیجان‌های مرتبط را تبیین می‌کند. این رویکرد تلفیقی نشان داد که آیات قرآن با دقتی ساختاری و هدفمند، احساسات انسانی را برای هدایت و بیداری فطرت مخاطب برمی‌انگیزد. همچنین، فرضیه دوم، مبنی بر شناسایی انواع کنش‌های گفتاری-هیجانی نظیر نکوهش، جلب توجه، ستایش، نفرین و تحسر با بسامدهای متفاوت و همبستگی آن‌ها با هیجان‌هایی مانند شرم، بیزاری، هشدار، دوستی و پشیمانی نیز تأیید شد. این همبستگی نشان‌دهنده انسجام ساختاری در آیات قرآن است که در آن کنش‌های گفتاری و هیجان‌ها به صورت هماهنگ برای انتقال پیام الهی عمل می‌کند؛ برای مثال، کنش نکوهش با هیجان‌های شرم و بیزاری هم‌راستا است، زیرا سرزنش رفتارهای نادرست (مانند نفاق یا کفر) احساس شرمساری و انزجار از این رفتارها را در مخاطب برمی‌انگیزد. کنش تحسر با هیجان پشیمانی ارتباط نزدیکی دارد. کنش ستایش که به تسبیح موجودات از خداوند اشاره دارد، با هیجان عشق و دوستی (شادی + پذیرش) همخوانی دارد و بیانگر محبت و احترام عمیق کائنات نسبت به خالق است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که کنش‌های عاطفی در آیات قرآن، صرفاً برای بیان احساسات الهی یا توصیف حالت‌های احساسی نیست، بلکه کارکردی تربیتی و اصلاحی دارد. این کنش‌ها با ایجاد هیجان‌هایی مانند ترس، شرم یا پشیمانی، مخاطب را از غفلت بیدار می‌کنند و او را به سوی خودآگاهی، توبه و اصلاح رفتار هدایت می‌کند؛ برای مثال، نفرین و ملامت در آیات مربوط

به منافقان و کافران، با ایجاد ترس و بیزاری، مخاطب را از رفتارهای مشابه باز می‌دارد. تحسیر و جلب توجه با یادآوری عاقبت اعمال و فناپذیری دنیا، انسان را به تأمل در معاد و بازنگری در رفتارهای خویش دعوت می‌کند. ستایش با تقویت احساس محبت و احترام به خداوند و اولیای الهی، انگیزه‌ای برای پیروی از مسیر حق ایجاد می‌کند.

شدت هیجان در نظریه پلاچیک و کاربرد آن در تحلیل آیات قرآنی، نشان‌دهنده پیچیدگی و عمق عاطفی این متن مقدس است. آیات قرآن با استفاده از هیجان‌هایی با شدت‌های متفاوت، از خفیف تا شدید، مخاطب را در سطوح مختلف عاطفی درگیر می‌کند. این تنوع در شدت هیجان‌ها، همراه با کنش‌های گفتاری متناسب، به قرآن امکان می‌دهد تا به‌طور هم‌زمان هشداردهنده، تأمل‌برانگیز و انگیزشی باشد. در پژوهش موردنظر، شدت بالای هیجان‌هایی مانند بیزاری و تهدید در آیات مربوط به منافقان و کفار و شدت متوسط هیجان‌هایی مانند عشق در آیات ستایش، نشان‌دهنده راهبرد عاطفی قرآن برای هدایت و اصلاح مخاطب است.



منابع

- قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.
- پلاچیک، رابرت (۱۳۷۱). «هیجان‌ها، حقایق، نظریه‌ها و یک مدل جدید». ترجمه محمود رمضان زاده». مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- دست رنج، فاطمه و منصوره عرب (۱۳۹۹). «کاربست نظریه کنش گفتاری در خوانش آیات جهاد»، *مطالعات تاریخی جنگ*، ۴(۲)، ۵۲-۲۳. <https://doi.org/10.2525/HSOW.10.052547>
- صالحی، پیمان و اکبرنژاد، مهدی (۱۴۰۲). «کنش‌های گفتاری داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم (براساس نظریه جان سرل)»، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۲۰(۱)، ۱۱۱-۹۱. <https://doi.org/10.22051/tqh.10.22051>
- صفوی، کورش (۱۳۸۷). «درآمدی بر معناشناسی». تهران: انتشارات سوره مهر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). «تفسیر/المیزان»، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۹. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عباسی، مهدی (۱۳۹۲). «بررسی کنش‌های گفتاری در جزء سی قرآن کریم». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- علم‌الهدی، جمیله؛ هدائی، فاطمه و عاتکه قاسم زاده (۱۴۰۰). «پژوهشی بر مفهوم هیجان در آیات قرآن کریم و رابطه آن با رشد». *آموزه‌های قرآنی*، ۱۸(۳۳)، ۳-۳۲. <https://doi.org/10.30513/qd.10.30513>
- کیایی، زهرا؛ باقری، فریبرز و خدیجه ابوالمعالی الحسینی (۱۴۰۰). «بررسی طبقات هیجان در ساختار وجودی انسان در قرآن منطبق بر نظریه روان تکاملی پلاتچیک». *پژوهش در دین و سلامت*، ۷(۲)، ۱۲۴-۱۱۰. <https://doi.org/10.22037/jrrh.v7i2.29484>
- ملکشاهی، منیر (۱۳۸۷). «زنان و مسئله تقدیرگرایی مورد مطالعه زنان شهر ایلام». *مجله فرهنگ ایلام*، شماره ۲۰ و ۲۱، ۴۰-۲۱، ۵۳. <https://doi.org/10.2525/HSOW.10.052547>
- مهرناز، گلی؛ شمس‌الدینی گورزنگی، مرضیه و غلامرضا رضوی دوست، (۱۳۹۹). «تحلیل متن‌شناسی سوره زمر بر مبنای نظریه کنش گفتار سرل». *مطالعات ادبی متون اسلامی*، ۵(۳)، ۷۴-۴۹. <https://doi.org/10.22051/tqh.10.22051>
- نبی‌لو، علی و مهدی طاهری اصل (۱۳۹۹). «بررسی کاربردشناسی کنش‌های گفتاری در باب شیر و گاو کلیل و دمنه براساس نظریه پلاچیک». *پژوهش‌های دینی*، ۱۲(۴۴)، ۲۳۳-۲۰۵. <https://doi.org/10.22051/tqh.10.22051>
- نورسیده، علی اکبر و علی باقری (۱۴۰۳). «تحلیل کنش‌های گفتار ادعیه پیامبران در قرآن کریم، براساس نظریه جان سرل»، *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۱۳(۲)، ۷۶-۵۹. <https://doi.org/10.22051/tqh.10.22051>
- یول، جورج (۱۳۸۳). «کاربردشناسی زبان». ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.

Resources

- Austin, J. L. (1962). *How to Do Things with Words*. Clarendon Press.
- Lewis, M. (2011). *the Emotional Power of Words*. Routledge.
- Plutchik, R. (1980). *Emotion: A Psychoevolutionary Synthesis*. Harper & Row.
- Searle, J. R. (1969). *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*. Cambridge University Press.
- Searle, J. R. (1976). A Classification of Illocutionary Acts. *Language in Society*, 5(1), 1-23.
- Yule, G. (1996). *Pragmatics*. Oxford University Press.
- Bibliography**
- The Holy Quran (Translation of Elahe Qomshehi)
- Abbasi, M. (2013). A Study of Speech Acts in Juz' 30 of the Holy Quran. Master's Thesis, University of Sistan and Baluchestan. [In Persian]
- Alam al-Huda, J., Hadaei, F., & Ghasemzadeh, Ateke (1400). A study on the concept of emotion in the verses of the Holy Quran and its relationship with growth. *Quranic teachings*, 18 (33), 3-32. <https://doi: 10.30513/qd.2021.1316>. [In Persian]
- Dašt Ranj, F., & Arab, M. (2010). Application of the Theory of Speech Act in Reading the Verses of Jihad. *Historical Studies of War*, 4(2), 23-52. <https://doi: 10.52547/HSOW.4.2.2>[In Persian]
- Kiai, Z., Bagheri, F., & Abu al-Maali al-Husseini, K. (1400). Investigation of emotion classes in the existential structure of man in the Quran according to Plutchik's theory of evolutionary psychology. *Research in Religion and Health*, 7(2), 124-110. <https://doi.org/10.22037/jrrh.v7i2.29484>. [In Persian]
- Malekshahi, M. (1387). Women and the issue of fatalism studied by women of Ilam city. *Ilam Culture Journal*, Issue 20 and 21, 40-53. <https://doi: 10.30495/dk.2020.677780>. [In Persian]
- Mehrnaz, G., Shams-ud-Dini Gurzanagi, M., & Razavi Doošt, G. (2019). A Textual Analysis of Surah Al-Zumar Based on Searle's Speech Act Theory. *Literary Studies of Islamic Texts*, 5(3), 49-74. <https://doi: 10.22081/jrla.2020.58436.1293>. [In Persian]
- Nabilo, A., & Taheri Asl, M. (2019) A Pragmatic Study of Speech Acts in the Chapter on the lion and Cow of Kalila and Demna Based on Plutchik's Theory. *Religious Research*, 12(44), 233-205. <https://doi: 10.30495/dk.2020.677780>. [In Persian]
- Nourseideh, A., & Bagheri, A. (2014) Analysis of Speech Acts of the Prophets' Supplications in the Holy Quran Based on John Searle's Theory. *Quranic Linguistic Research*, 13(2), 59-76. <https://doi:10.22108/nrgs.2024.140058.1925>. [In Persian]
- Plutchik, R. (1992). *Emotions, Facts, Theories and a New Model*. translated by Mahmoud Ramezanzadeh. Astan Quds Razavi Printing and Publishing Institute. [In Persian]
- Safavi, K. (2008). *An Introduction to Semantics*. Surah Mehr Publications. [In Persian]
- Salehi, P., & Akbarnejad, M. (1993). Speech Acts of the Story of Prophet Joseph (PBUH) in the Holy Quran (Based on John Searle's Theory). *Research on the Sciences of the Quran and Hadith*, 20(1), 111-91. <https://doi: 10.22051/tqh.2022.38682.3466> [In Persian]
- Tabatabaei, M. H. (2011). *Tafsir al-Mizan*. Translated by Mohammad Baqer Mousavi Hamedani. vol. 19. Islamic Publications Office. [In Persian]